

تحلیل مصداقی شرایط حمایت از آثار ادبی و هنری در نظام حقوق مالکیت فکری

پریا کرم زاده^{۱*}، رضا نیکخواه سرنقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

کد مقاله: ۵۷۸۶۴

چکیده

آثار هنری یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد حمایت حقوق مالکیت فکری است. در بیان مفهوم آثار هنری در قوانین مالکیت فکری، به‌طور کلی در قانون مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت کشورها ذکر شده است. این آثار همچنین نمونه‌های مختلفی دارند از جمله هنرهای تجسمی و هنرهای هفتگانه که خود شامل دو زیرمجموعه هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی است. با توجه به اینکه موضوع مالکیت فکری امری اعتباری، ناملموس و غیرمادی است، لازم است در قالب پژوهشی توصیفی - تحلیلی، مفاهیم و نحوه حمایت از آن در سیستم‌های حقوق مالکیت فکری و به دلیل ظهور و وارداتی بودن حقوق مالکیت فکری به‌روشنی توضیح داده شود در کشور ما پیشینه فقهی و حقوق در این زمینه وجود ندارد. با توجه موضوع این امر نیازمند تبیین مسائلی از قبیل تفکیک آثار ادبی از آثار هنری، همچنین بررسی وجود دسته‌بندی در میان آثار هنری در قوانین مورد نظر هست. افتراق، تشدید و عدم تعارض دقیق و منطقی در قوانین مورد بررسی، عدم حمایت از برخی از آثار هنری در سیستم فعلی مالکیت فکری و لزوم ایجاد سیستم‌های حمایتی ویژه تحت نظام‌های حمایتی در حقوق مالکیت فکری در زمره مواردی است که در نظر گرفته شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، آثار هنری، هنرهای تجسمی، هنرهای کاربردی، حمایت آثار هنری

۱- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (نویسنده مسئول) pariya.karamzadeh@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه ارومیه

امروزه تقریباً در همه کشورهای جهان مقررات قانونی برای حمایت از مالکیت فکری وجود دارد و کشورها به دنبال ایجاد مقرراتی برای تعیین جایگاه این رشته از قانون در مجموعه مقررات خود هستند. در بعضی از کشورها این حقوق بر اساس تحولات تاریخی تا به امروز رشد کرده و وجود قوانین مربوط به این حوزه با تجارب تاریخی، مباحث فلسفی و مطالعات علمی همراه است. اما در برخی دیگر، پذیرش وجود این قوانین تنها به دلیل ملاحظات اقتصادی و سیاسی است. زیرا اکنون پذیرش توافق در مورد جنبه‌های مربوط به مالکیت فکری «موسوم به تریپس»^۱، شرط پذیرش کشورها در سازمان تجارت جهانی است. آثار هنری یکی از مقوله‌های عمده آفرینش‌های فکری است که در سیستم‌های حقوقی مالکیت فکری تحت حمایت واقع می‌شود. آثار هنری دامنه بسیار گوناگونی دارند و نمونه‌های متنوعی را شامل می‌شوند که در نگاه اول کاملاً واضح و بدون ابهام به نظر می‌رسند. درحالی‌که تنوع آثار هنری و ابهام در مفهوم و مثال‌ها و از طرف دیگر، شرایط و قوانین مختلف مربوط به دسته‌های مختلف آثار هنری، از جمله آثار هنری کاربردی یا عکاسی، مانند تفاوت در زمان حمایت، مالکیت برخی از آن‌ها آثار و مانند آن. در عمل به ابهامات بسیاری منجر شده است.

بنابراین، این موضوع به‌عنوان یک مسئله حقوقی نیاز به شفافیت و عدم ابهام دارد. باید موردبررسی دقیق‌تری قرار گیرد تا حمایت قانونی از هنرمندان و آثار ناب آن‌ها با صراحت و ابهام کمتری انجام شود. و موقعیت برای ایجاد انگیزه در تولید آثار هنری متنوع‌تر و خلاقانه‌تری باید فراهم شود. از طرف دیگر، حقوق مالکیت فکری یکی از مهم‌ترین و جوان‌ترین شاخه‌های قانون است که نقش بسزایی در محافظت از آثار هنری در برابر تفکر بشری و منافع اقتصادی آن برای کشورها دارد و این غیرقابل‌انکار است. این امر باعث شده تا کشورها از دسته‌های مختلف آثار فکری با توجه به نیازهای خود در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در زمینه اقتصادی، حمایت یا پشتیبانی نکنند که همین امر، باعث اختلافات زیادی در قوانین داخلی برخی کشورها شده است که برخی از آن‌ها موردبررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤال است: چگونه می‌توان از آثار ادبی یا علمی و مقررات قانونی مربوط به آثار هنری مختلف را در کشورهای مختلف تفکیک کرد. سیستم حقوق مالکیت طبق قوانین و مقررات بین‌المللی، قانون داخلی کشورها از جمله ایران چیست؟ با توجه به ابهامات جدی در مفهوم هنر و آثار هنری، رویکرد سیستم‌های حقوقی برای محافظت از مالکیت فکری نسبت به آثار هنری چگونه است و چگونه آن‌ها را دسته‌بندی و حمایت می‌کنند؟ برخلاف نظر اولیه، به نظر می‌رسد تعریف یک اثر هنری به دلیل دشواری در تعریف هنر با مشکلات خاصی مواجه است و نمی‌توان انتظار تعریف جامع و پذیرفته‌شده‌ای از یک اثر هنری را داشت. البته این به معنای عدم توافق در مورد عناصر مشترک سازنده یک اثر هنری نیست. این عناصر مشترک می‌توانند حس زیبایی‌شناختی و درک جامعه هدف از کار هنری را تحریک کنند. تعریف و شناخت نمونه‌هایی از آثار هنری در تعیین نوع مناسب حفاظت و شرایط و اثرات آن مؤثر خواهد بود.

۲- مفاهیم

برای درک موقعیت و شرایط حمایت از آثار ادبی و هنری در سیستم حقوق مالکیت فکری، ابتدا لازم است که به مفاهیم و سپس به‌طور کلی، دسته‌های موجود آثار هنری پرداخته شود، و سپس به تجزیه و تحلیل موارد حمایت پرداخت می‌کنیم.

هنر: کلمه هنر در اصل اوستایی است و ترکیبی از دو کلمه «هور» به معنای نیک، خوب، زیبا، بسیار، کافی و رسا و «نر» به معنای مرد است که به‌طور کلی به معنای یک انسان خوب یا یک انسان پاک و خالص با فضایل و صفات انسانی است. و نظر دیگری وجود دارد که هنر، کلمه‌ای پهلوی به شکل هورن اره است به معنای انجام کاری تا حد کمال، (بلخاری، ۱۳۸۷، ۱۷)، بیان هوش خلاق انسان، به‌ویژه از نظر بصری، مانند نقاشی یا مجسمه‌سازی (هورنی، ۵۶، ص ۱۹۹۷).

تریپس (TRIPS):^۲ توافق‌نامه مربوط به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری؛ این یک توافق‌نامه بین‌المللی است که توسط سازمان تجارت جهانی^۳ اداره می‌شود و حداقل استانداردهای بین‌المللی را برای قوانین مالکیت فکری در کشورهای عضو WTO معین می‌کند. (زرکلام، ۱۳۹۳ ص ۵۹)

کنوانسیون برن: کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری،^۴ که معمولاً بانام کنوانسیون برن شناخته می‌شود، یک معاهده بین‌المللی در زمینه حق مؤلفه و کپی‌رایت است که اولین بار در سپتامبر ۱۸۸۶ (در برن، سوئیس تصویب شد).

1 Trade Aspects Related of Intellectual Property Rights (TRIPs)

2 Hornby

3 Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

4 WTO

5 Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works

هنرهای گرافیکی: " نوعی هنر زیبا که طیف گسترده‌ای از اشکال هنری را در بر می‌گیرد. هنر گرافیک معمولاً دو بعدی است و شامل خوشنویسی، عکاسی، طراحی، نقاشی، لیتوگرافی و غیره می‌شود. ^۱ هنر گرافیک در فرهنگ لغت ^۲ به معنای: "هنرهای تجسمی مبتنی بر استفاده از خطوط نور و سایه‌ها به جای آثار سه‌بعدی با استفاده از رنگ" در فرهنگ لغت مصور هنرهای تجسمی در معنای هنرهای گرافیکی: انواع نقاشی‌ها و کنده کاری‌ها و نقش برجسته بر روی فلز، چوب، سنگ و موارد مشابه برای چاپ، که امروزه شامل طراحی و ترسیم پوستر و نمودارهای خطی، آرم‌های تجاری و صنعتی، تصاویر و طرح‌های روی جلد کتاب‌ها و مجلات و علائم اقتصادی و راهنما می‌باشد. (باشان، پدرو، ۲۰۱۵)^۳

طراحی گرافیک: طراحی گرافیک "هنر ترکیب تصویر و متن در تبلیغات، مجلات و کتاب‌ها" است (گیفورد، ۲۰۰۲) طراحی گرافیک اصطلاحی عمومی برای آثاری است که شامل طراحی حروف، تصویرگری، عکاسی و چاپ برای ارائه اطلاعات یا دستورالعمل است. (شبیبری، ۱۳۹۱ ص ۱۱)

نقاشی: ^۵ نقاشی بسیار قدیمی‌تر از خوشنویسی و زبان در بین انسان‌ها است و یکی از بارزترین و صریح‌ترین نمونه‌های آثار هنری و هنرهای زیبا است. این فقط برای هنر و برای جلب حس زیبایی‌شناختی به معنای هنر است. نقاشی استفاده از یک رنگدانه محلول در یک ماده رقیق کننده و چسب بر روی سطح نگهدارنده مانند کاغذ، بوم یا دیوار است. این کار توسط یک نقاش انجام می‌شود. این اصطلاح به‌ویژه هنگامی استفاده می‌شود که حرفه شخص موردنظر باشد. (عیوضی، ۱۳۸۴ ص ۷۸) نقاشی شش برابر بیشتر از استفاده از زبان نوشتاری در بین انسان‌ها است. تعریف نقاشی در فرهنگ لغت تمرین یا مهارت استفاده از رنگ است، چه روی تصویر و چه به‌عنوان تزئین. (زوارت، ۲۰۰۶)

طراحی: عکس یا طرح هندسی که با مداد، خودکار یا مداد شمعی کشیده شده و از رنگ استفاده نمی‌کند. (دیکشنری انگلیسی آکسفورد) در مقایسه با نقاشی، طراحی، یک سری عملیات ایجاد مجموعه‌ای از جلوه‌ها و نمادها با استفاده از فشار یا حرکت ابزاری روی یک سطح است. (عیوضی، همان، ص ۱۵۵) به نظر می‌رسد تفاوت اصلی بین نقاشی و طرح استفاده از رنگ در نقاشی و عدم وجود آن در طراحی است.

طرح اولیه یا انگاره: نقاشی یا کشیدن تند به وضوح یا به‌طور کامل، اغلب برای کمک به ایجاد یک تصویر کامل‌تر. (جیمز مونتگومری فلگ، ۲۰۱۵) ^۸ تعریف دیگر این ایده این است: "طراحی تند و بدون جزئیات. نمونه این موارد همان چیزی است که یک طراح لباس قبل از شروع لباس واقعی ایجاد می‌کند. اسکچ، یک طرح کاملاً ساده است که معمولاً پر از اشکال و اشتباه و خطوط اضافی است که نقاش و طراح برای ترسیم ایده‌هایی که ناگهان به ذهن خطور می‌کند از آن استفاده می‌کند. (واسیلیوویچ گوگول، ۱۳۹۰ ص ۲۱۶)

خطاطی: در فرهنگ لغت آکسفورد، خوشنویسی به‌عنوان "هنر ساخت دست خط تزئینی یا تایپوگرافی با قلم یا قلمو" تعریف شده است. یکی از اساتید در این زمینه در تعریف خوشنویسی می‌گوید: خوشنویسی، ترکیبی از تلاش بدنی دست برای نوشتن است و همین امر آن را جذاب و فکری و زیبا می‌کند (کشمیری، ۱۳۹۶ ص ۲۵) خوشنویسی، نقشی اساسی و مهم در فرهنگ‌های سراسر جهان دارد. (کاووسی و همکاران، ۱۳۹۲ ص ۱۵)،

تذهیب: در فرهنگ‌های ایرانی تعریف دقیقی از تذهیب وجود ندارد. در فرهنگ لغت، تذهیب را طلاکاری و زر گرفتن دانسته‌اند، اما این معنای کامل تذهیب نیست. در هر صورت تذهیب را می‌توان مجموعه‌ای از طرح‌های بدیع و زیبا دانست که نقاشان و متدینین از آن‌ها برای زیبایی هر چه بیشتر کتابهای مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی و ... و خوشنویسی‌های زیبا استفاده می‌کنند. سابقه تذهیب در هنر تزئین کتاب در ایران به دوره ساسانیان برمی‌گردد. اما به‌طور قطع نمی‌توان گفت که خاستگاه این هنر ایران است. (مجرد تاکستانی، ۲۰۰۷ ص ۱۹)

مجسمه‌سازی: هنر ساخت اشکال دو یا سه‌بعدی با اشکال انتزاعی، به‌ویژه با تراش سنگ یا چوب یا با ریخته‌گری آهن یا گچ، مجسمه‌سازی نامیده می‌شود. مجسمه یا تندیس پیکره‌ای است که اغلب ساخته می‌شود برای بزرگداشت یا نمایش وجود انسان، شیء، حیوان یا واقعه. (آیتی، همان ص ۵۸) به شخصی که مجسمه‌سازی می‌کند، مجسمه‌ساز می‌گویند که با حجم‌سازی متفاوت است. مجسمه‌ها را می‌توان از مواد مختلفی مانند گچ، فایبرگلاس، فلزاتی مانند طلا، نقره و برنز، انواع سنگها مانند سنگ

1 Graphic art art definition
2 [Http://www.oxforddictionaries.com](http://www.oxforddictionaries.com)
3 Bashan, pedro
4 Gifford
5 Painting
6 Zwart
7 James Montgomery
8 [Http://www.oxforddictionaries.com](http://www.oxforddictionaries.com)
9 Vasilyevich Gogol

مرمر و ... ساخت و بسته به نوع استفاده، اندازه‌های مختلفی وجود دارد: مجسمه‌های کوچک را تندیسک نیز می‌نامند. (کشمیری، ۱۳۹۶ ص ۱۷۴)

پرتره: معانی کلمه پرتره در قوانین و فرهنگ‌های مختلف بسیار شبیه و نزدیک به یکدیگر هستند. بنابراین، ما به دو تعریف از این کلمه بسنده می‌کنیم؛ طراحی، نقاشی، عکاسی یا حکاکی از یک شخص، به‌ویژه مواردی که فقط صورت یا سر و شانه‌ها را نشان می‌دهد. یک نقاشی، عکس یا طراحی از یک شخص (در فرهنگ لغت آکسفورد) یا در تعریفی دیگر: پرتره به معنی یک تصویر، نقاشی، پیکره، مجسمه و ... است و در شکل خاص آن، به یک مجسمه صورت، یک تصویر چهره، به عکس نیم تنه و عکس صورت اشاره دارد. قانون کپی‌رایت اندونزی نیز در بخش تعاریف ماده (۷) ۱ تعریفی ارائه می‌دهد که البته فقط به عکس پرتره محدود می‌شود: «پرتره به معنای هر عکسی است که با هر تجهیزاتی یا وسیله‌ای گرفته شده و صورت فرد را با سایر قسمت‌های بدن یا بدون آن به تصویر می‌کشد». (آیتی، همان ص ۱۶۱)

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به پیشینه آثار هنری و همچنین مالکیت فکری در رابطه با این آثار و با توجه به بررسی در میان کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات فارسی موجود، به تفصیل، و به‌ویژه موقعیت و شرایط حفاظت از آثار ادبی و کارهای هنری در سیستم حقوق مالکیت فکری پرداخته نشده است. با این وجود، در برخی از زیرمجموعه‌ها مانند توجه به صنایع دستی، فرش و فرهنگ عامیانه، مقالات و رساله‌هایی مانند ص رساله دکتر سید حسن شبیری با عنوان نقل و انتقال اموال فکری از منظر فقه و حقوق (۱۳۹۱)، رساله آقای رحمانی خلیلی یک رساله با عنوان حقوق مالکیت فکری در صنایع دستی (۱۳۸۱)، رساله حمید خوبکار با عنوان سیاست گذاری مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و فولکور (۱۳۸۲)، باقری و همکاران (۱۳۹۶) وجود دارد. در تجزیه و تحلیل اقتصادی، حمایت کیفی از مالکیت فکری به این نتیجه رسیده است که استفاده از ضمانت اجرایی در موارد نقض مالکیت ادبی و هنری و حق ثبت اختراع به نظر سودمند نمی‌رسد، درحالی که استفاده از این ضمانت اجرایی در علائم تجاری نتایج بهتری دارد. همچنین، هیچ زمینه فقهی در این زمینه وجود ندارد و در میان کتاب‌های مربوط به مالکیت فکری، چه فارسی و چه انگلیسی، که شامل بیش از پنجاه کتاب به زبان انگلیسی در زمینه مالکیت فکری است، می‌توان گفت که هیچ‌کدام دقیق نیستند یا به تفصیل به کارهای هنری نپرداخته است، فقط در کتاب‌ها و مقالات مربوط به حقوق انگلستان، چند خط کوتاه به آثار هنری اختصاص یافته است. همچنین، در بیان و تشریح نمونه‌های آثار هنری و چگونگی حمایت از حقوق مالکیت فکری و شرایط آن، مقررات خاصی وجود ندارد. و باید اشاره به این نکته کرد که حقوق مربوط به این دسته از آثار اغلب از قانون کشورهایمانند فرانسه گرفته شده است که این امر به دلیل تازگی و واردات مسائل مربوط به مالکیت فکری است. درواقع، قوانین موجود در ایران در زمینه مالکیت فکری ترجمه حقوق مالکیت فکری فرانسه با کمی تغییر است. همان‌طور که در بررسی پیشینه مشخص شد، در کتاب‌ها و مقالات بررسی شده، هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور خاص نمونه‌های آثار هنری محافظت‌شده توسط حقوق مالکیت فکری، آثار خاص در این زمینه و مقررات خاص مربوط به آن‌ها را به‌طور دقیق شرح نداده است. در مقاله بعدی، سعی در تجزیه و تحلیل موردی، موقعیت و شرایط حمایت از آثار ادبی و هنری در سیستم حقوق مالکیت فکری شده است.

۴. تحلیل مصداقی انواع آثار هنری قابل حمایت در حقوق مالکیت ادبی و هنری

در میان دو زیرشاخه اصلی حقوق مالکیت فکری و حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت، راه اصلی حمایت از آثار هنری است. فقط در موارد خاص برخی از آثار هنری توسط شاخه‌های دیگر حمایت می‌شوند. کدام‌یک از آثار هنری تحت سیستم حقوق مالکیت ادبی و هنری قابل محافظت هستند یا خیر، موضوعی است که در این مقاله بررسی خواهد شد.

۴-۱- بررسی مصداقی آثار هنری

انواع آثار هنری قابل حمایت: در قوانین ادبی و هنری یا کپی‌رایت کشورها، بخشی به آثار مورد حمایت تخصیص داده می‌شود. در برخی قوانین، این آثار حصری^۲ و محدود شده و وظیفه سیستم قضایی و قضات است که موارد جدید را با موارد ذکر شده در قانون تطبیق دهند. در برخی دیگر، لیست آثار باز و غیر حصری^۳ است و مثال‌های ذکر شده به‌عنوان مثال آورده شده است. و با توجه به پیشرفت سریع علم و اضافه شدن روزانه آثار جدید در حوزه حمایتی حقوق مالکیت فکری، روش دوم مناسب‌ترین روش هست.

1 Protectable Works
2 Exhaustive
3 Non-Exhaustive

آثار مورد حمایت در کنوانسیون برن: ماده ۲ کنوانسیون برن، آثار تحت حمایت خود را این‌گونه توصیف می‌کند: اصطلاح آثار ادبی و هنری شامل هر محصولی در زمینه ادبی، علمی و هنری به هر شکل یا شکلی است که بیان شود. سپس از هر دسته به‌عنوان نمونه مثال می‌زند. از دسته آثار هنری، بدون ذکر تقسیم‌کننده، آثار طراحی، نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، حکاکی و لیتوگرافی یا چاپ سنگی، کارهای عکاسی که به آثار تولیدشده با روندی معادل عکاسی اطلاق می‌شود، آثار هنرهای کاربردی، تصویرگری، نقشه جغرافیایی، نقشه، نمونه اولیه یا کارهای سه‌بعدی مربوط به جغرافیا، توپوگرافی، معماری یا علم را نام می‌برد. (صالحی و ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۵۶)

آثار مورد حمایت در حقوق ایران: آثار حمایت‌شده در قانون سال ۱۳۴۸: ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ ایران، نمونه‌هایی از آثار را که تحت حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری هستند، آورده است. در مورد منحصر بودن یا غیر انحصاری بودن لیست ارائه‌شده در این قانون، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، که این امر بسته به شکل ظاهری ماده است. (صالحی و ابراهیمی، همان، ص ۵۳) عبارت ابتدای ماده بیانگر انحصاری بودن است، اما در مقابل، برخی عبارات در پاراگراف‌های مقاله ماهیت تمثیلی موارد را بیان می‌کنند. سرانجام، با توجه به موضوع فوق‌الذکر و تمثیلی پنداشتن موارد ذکرشده به فرایند منطقی، می‌توان نظر دوم را صحیح‌تر دانست و لیست ذکرشده در این قانون را غیر انحصاری دانست زیرا به دلیل ماهیت سیویل‌لایی حقوق در ایران و محدودیت اختیارات و توانایی‌های قضات در تفسیر قوانین، به‌کارگیری موارد متعددی که به‌سرعت وارد این حوزه می‌شوند در موارد فوق بسیار دشوار است.

۴-۲- مصادیق آثار هنری در قوانین کپی‌رایت سایر کشورهای مورد بررسی

قوانین مالکیت فکری تعریف روشنی از "هنر" یا حتی "اثر هنری" ارائه نداده است و حقوقدانان فقط به ذکر نمونه‌هایی از آثار هنری اکتفا کرده‌اند. این دو مفهوم جزء مفاهیمی هستند که علی‌رغم شفافیت هدف، توضیح آن‌ها در قالب‌های خاص امکان‌پذیر نیست. تمام نظرات نشان می‌دهد که این آثار از اندیشه، خلاقیت و هنر بشر سرچشمه می‌گیرند و به معنای خاص آن‌ها "مادی" به‌حساب نمی‌آید. اما اینکه معیار شناسایی نمونه‌های آن چیست، سؤالی است که هنوز پاسخی شایسته داده نشده است. تحول و تکامل شتابنده فناوری نیز باعث این امر شده است و ظهور موضوعات جدید و در حال تکامل مانع از توافق در مورد اصول و معیارهای خاص است. به همین جهت، تلاش شده است تا از دو طریق به حل مسئله کمک شود: اول، با ارائه مثال‌های متنوع و متعدد، و دوم، با تأکید بر تمثیلی بودن این نمونه‌ها و اینکه قانون‌گذاران می‌توانند بسته به شرایط مکانی و موضوع، نمونه‌های جدیدی پیدا کنند. (اسماعیلی، ۱۳۸۰ ص ۲۸)

حقوق مالکیت فکری از دو زیرمجموعه برخوردار است: مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی. اگرچه برخی از شاخه‌های مالکیت صنعتی از برخی آثار هنری نیز پشتیبانی می‌کنند، معیارهای شناسایی همان آثار با عناوین اثر هنری، معیار، دارای‌های ادبی و هنری و قوانین مرتبط هستند. بنابراین، باید عبارت‌های این قوانین را بررسی کنیم تا انواع آثار هنری را شناسایی کنیم.

کشورهایی که قوانین کپی‌رایت با مالکیت ادبی و هنری آن‌ها در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، اغلب رویکرد کلی به آثار محافظت‌شده داشته‌اند. اگرچه هیچ‌یک از رده‌های پیشنهادی آثار هنری در هیچ‌یک از این قوانین به‌طور کامل دیده نمی‌شود، اما ردپای دسته‌بندی‌ها در همه آن‌ها وجود دارد و به نظر می‌رسد نگاهی اجمالی به آن توسط قانون‌گذاران مشاهده شده است. در کشورهایی که پس از شکل‌گیری قالب عمومی کپی‌رایت و تصویب قوانین بین‌المللی و بالاتر از همه کنوانسیون برن، قوانین مالکیت فکری، به‌ویژه دارای‌های ادبی و هنری را نوشته و تصویب کرده‌اند (کشورهایی مانند ایران، و بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت) آن‌ها اغلب تحت تأثیر قوانینی قرار گرفته‌اند؛ مانند قوانین انگلیس یا فرانسه، و همان روند رامش را اتخاذ کرده‌اند. اما کشورهای پیشرو در این زمینه در تهیه پیش‌نویس قانون به شکل کنونی، روندی تاریخی و گاه طولانی داشته‌اند. ما اشاره کرده‌ایم که دو دستورالعمل کلی برای بیان نمونه‌هایی از آثار تحت پوشش حمایت از مالکیت ادبی و هنری در قوانین کشورهای مورد بررسی وجود دارد.

دسته اول شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، تونس، مصر، چین، اندونزی و ایران است. این گروه از کشورها بدون ذکر ادبیات، هنری، موسیقی یا سینماتوگرافیک، کلیه آثار دارای کپی‌رایت را در یک ماده گنجانده‌اند. با نگاهی به نحوه نگارش مواد مربوطه در قانون‌های این کشورها، می‌توان گفت که نویسندگان این قانون، از هنر، اولین مفهوم آن یعنی هنرهای هفتگانه را در نظر گرفته‌اند. عدم تمایل به جدایی کامل آثار ادبی از آثار هنری، قراردادن آثاری مانند مجسمه‌سازی و معماری در بندهای جداگانه به شکلی که در طبقه‌بندی هنرهای هفتگانه موجود است و مواردی مانند این، که بیانگر نظر نویسندگان این متون قانونی در مورد تعریف اول از هنر می‌باشد. اما می‌توان گفت که در هیچ‌یک از کشورهای مورد مطالعه، طبقه‌بندی کاملاً با طبقه‌بندی ذکرشده مطابقت ندارد و نقض شده است. مقوله‌ای که بیشتر از همه مورد توجه است، دسته‌ای از آثار عکاسی است که در همه آن‌ها وجود دارد اما در

طبقه‌بندی هنرهای هفتگانه موجود نمی‌باشد. این دسته که از نظر هنر و قانون یکی از بحث‌برانگیزترین هنرها است، سرانجام مورد حمایت همه قوانین قرار گرفته است.

با توجه به قوانین بین‌المللی موجود در این زمینه، به‌ویژه عناوین و سرفصل‌های استفاده‌شده در این قوانین، از جمله کنوانسیون برت، توافقنامه کی‌رایت Wipo و قوانین داخلی، بدیهی به نظر می‌رسد که حتی در این کشورها قانون‌گذار، آثار ادبی را از سایر آثار هنری جدا می‌داند و در غیر این صورت تأکید بر تفکیک اصطلاح مالکیت ادبی یا اثر ادبی، زائد و به‌دوراز خرد قانون‌گذار است. (دفتر مالکیت فکری انگلستان، آثار مکتوب شامل نرم‌افزار و پایگاه داده، ۲۰۱۴)^۱

بنابراین، از میان هفت دسته مشهور هنرهای هفت‌گانه، قانون‌گذار مالکیت فکری، دسته آثار ادبی را تفکیک کرده است، زیرا به‌موجب قوانین بین‌المللی^۲ و قانون داخلی کشورهایی مانند (انگلستان^۳، ایالات‌متحده^۴) از نرم‌افزار و برنامه‌های رایانه‌ای تحت عنوان اثر ادبی پشتیبانی می‌شود. (ماده ۱۰ تریپس، ۱۹۹۱) این آثار نیز از محدوده بررسی این مقاله خارج است.

تاریخچه کی‌رایت در انگلستان همچنین نشان می‌دهد که آثار هنری، متناسب با نیازهای زمان و بدون هیچ‌گونه ایهام هنری خاصی، به‌تدریج مورد حمایت قانون کی‌رایت واقع شده‌اند، تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۱۱ قانون کی‌رایت همه آن‌ها را همراه با معماری و صنایع دستی مورد حمایت خود قرار داد. همین کارها را می‌توان امروزه، بدون طبقه‌بندی منطقی از نظر هنری، در قانون حق چاپ، طرح‌های صنعتی و ثبت اختراعات ۱۹۸۸ انگلستان^۵ (از این به بعد قانون کی‌رایت انگلیس) مشاهده کرد. (آن بارون^۶، ۲۰۰۲)

درواقع نحوه دسته‌بندی آثار و افزودن آن‌ها به لیست آثار دارای کی‌رایت وابسته به مقدار فشار و موفقیت گروه‌های علاقه‌مند به جلب حمایت از قانون‌گذاران تأثیرگذار است. فقدان طبقه‌بندی منطقی در کشورهایی مانند انگلستان که نمونه‌های انحصاری از آثار را آورده است، موجب شده است بسیاری از آثار هنری اعم از سنتی و جدید را از حیطه حمایت از کی‌رایت خارج کرده است. آثاری مانند بسیاری از صنایع دستی و هنرهای نوین مانند هنرهای محیطی یا آثاری که بر روی بدن انسان^۷ ساخته شده و بسیاری از هنرهای مفهومی^۸، باین‌حال، در قوانین این کشورها، معمولاً چندین دسته از آثار از یکدیگر جدا شده‌اند. در قانون کی‌رایت انگلستان^۹ و قانون کی‌رایت ۱۹۵۷ هند (ماده ۱)، دسته‌های آثار ادبی، هنری، نمایشی و موسیقی در یک بند و دسته‌های صداهای ضبط‌شده، پخش رادیو و تلویزیون، فیلم‌ها و ... نیز در دسته‌های دیگر ذکر شده است. (بنت و شرمین، ۲۰۱۸ ص ۷۹)^{۱۰}

قانون کی‌رایت آفریقای جنوبی ۱۹۷۸، علاوه بر شش دسته بیان‌شده، سیگنال‌های حامل برنامه و نسخه‌های منتشرشده و برنامه‌های رایانه‌ای را در دسته‌های جداگانه طبقه‌بندی می‌کند. آنچه در تمام این قوانین مشاهده می‌شود، جدایی آثار هنری از آثار ادبی، موسیقی و سینماتوگرافیک است و علاوه بر این، در مواد جداگانه یا در قسمت تعاریف، اثر هنری را مطابق با معنای هنرهای تجسمی تعریف کرده است. (زرکلام، ۱۳۹۳ ص ۵۷)

گرچه قانون کشور ما این دسته از آثار را نشان نمی‌دهد، اما برخی از نویسندگان حقوقی به این مقوله گرایش دارند و آثار هنری را با همان معنای هنرهای تجسمی پذیرفته‌اند؛ به‌عنوان مثال، یک نویسنده حقوقی طبقه‌بندی آثار را به آثار ادبی، موسیقی، هنرهای تجسمی و برنامه‌های رایانه‌ای و دیگری به دسته‌های هنرهای نوشتاری، سمعی و بصری، تجسمی، کارهای بدیع مبتنی بر فرهنگ‌عامه و کارهای فنی که جنبه نوآوری و ابتکار و کارهای ترکیبی داشته باشد، پذیرفته است. (آیتی، ۱۳۹۰ ص ۸۱).

بنابراین مشاهده می‌شود که این مقوله، به‌طور عرفی در بین نویسندگان ایرانی پذیرفته شده و معنای اثر هنری را هنرهای تجسمی می‌داند. زیرا در هر دو مورد، دسته آثار تجسمی به‌طور جداگانه پذیرفته شده است. در کانادا، یک اثر هنری اثری است که ادبی، موسیقی یا نمایشی نباشد. از تعریف موجود در قانون کی‌رایت انگلیس در مورد یک اثر ادبی، که یکی از تعاریف نادر مصوب قوانین داخلی است، می‌توان همین تعریف را برداشت کرد. طبق ماده ۱۰۳ این قانون، «اثر ادبی عبارت است از هر اثر غیر نمایشی و غیر موسیقایی که به‌صورت مکتوب، شفاهی یا کلامی پدید آمده باشد. (زرکلام، همان ص ۳۱۸)

۱- ماده ۲ کنوانسیون برن، ذیل عنوان آثار مورد حمایت از محجارت آثار ادبی و هنری و در متن ماده از عبارت قلمرو ادبی، هنری و کلاً علمی استفاده نموده است. ماده ۱ موافقت نامه کی‌رایت و سایر عبارات آثار ادبی و هنری را بکار برده است.

۲- طبق ماده ۱۰-۱ موافقت نامه تریپس برنامه‌های کامپیوتری، طبق کنوانسیون برن بعنوان اثر ادبی حمایت می‌شود.

3 UK intellectual property office, *Written works including software and databases*,

4 US copyright office, *Copyright Registration for Computer Programs*, (2012)

5 CDPA

6 Ann Barron.,

7 Environmental Art

8 Body Arts

9 Conceptual arts.

10 Lionel Bently and Brad Sherman,

در اسناد بین‌المللی، در سال ۱۹۲۸، حقوق مسلم خالق در ماده ۶ کنوانسیون برن و در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخته شد و در ماده ۲۷ (۲)، حقوق فکری ذکر شد.^۱

حق صداقت؛ صداقت یا حق تقدس یک اثر جنبه‌های منفی و مثبت دارد. جنبه مثبت این است که منحصرأً، پدیدآورنده حق دارد در کار خود تغییراتی ایجاد کند، محتوایی به آن اضافه کند و قسمت‌هایی از آن را حذف کند. جنبه منفی حق خالق این است که دیگران را از ایجاد هرگونه تغییر، دخالت، تصرف یا تحریف جلوگیری کند. (آیتی، همان ص ۱۴۱)

حق افشای یک اثر یا حق ارائه اثری برای اولین بار به مردم یکی از حقوق فکری است که غالباً در قوانین کشورهای سیویل لا گنجانده شده است. این حق در کنوانسیون برن و در نتیجه، توافقنامه کپی‌رایت وایپو و تریپس مشخص نشده است. حق افشای یک اثر حتی از حقوق مالکیت فکری پیشرفته‌تر است و مربوط به حقوق کشورهایمانند فرانسه بر اساس شخصیت است. با توجه به این حق، خالق اثر حق دارد هر زمان بخواهد اثر خود را در دسترس عموم قرار ندهد. برخلاف کشورهای سیویل لا، که اصالت را به حقوق فکری بر اساس شخصیت نسبت می‌دهند، کشورهای سیویل لا، بر اساس منفعت‌گرایی، معتقدند که این اساساً کپی‌رایت حقوق مادی است، اگرچه هر دو دیدگاه با گذشت زمان اصلاح شده و اشتراکات بیشتری بدست آورده‌اند. (ریکتسون و گینسبورگ، ۲۰۰۶)

حق تکثیر^۲ در قانون سال ۱۳۴۸ از واژه تکثیر استفاده نشده و از واژه انتشار استفاده شده است. در اصطلاح حقوقی، نشر به معنای چاپ و تکثیر و در عرف به همان معنا استفاده می‌شود. (امامی، ۱۳۷۶ ص ۱۷۹) گرچه کپی‌رایت در تمام نسخه‌های کنوانسیون برن گنجانده شده بود، اما تقریباً یک قرن طول کشید تا استکهلم برن آن را حداقل حق اعضای کنوانسیون اعلام کرد. به گفته ریکتسون^۳، دلیل حذف حق تکثیر از متن اصلی کنوانسیون برن، اختلاف اعضا در مورد قلمرو و محتوای این حق بود. سرانجام، در مروری بر استکهلم، تصمیم بر این شد که فرمولی پیدا کنند که به اندازه کافی گسترده باشد و همه موارد معمول را پوشش دهد، اما آنقدر گسترده نباشد که ابهام ایجاد کند. (گلدشتاین، همان، ص ۳۴۹)

قانون مربوط به کپی‌رایت و حقوق مرتبط آلمان مصوب ۹ سپتامبر ۱۹۶۸ و اصلاحی ۱۹۹۸ در ماده (۱) ۲ به ذکر آثار ادبی، علمی و هنری مورد حمایت قانون پرداخته است. ماده (۱) ۳: آثار ادبی، علمی و هنری مورد حمایت به‌ویژه شامل موارد زیر خواهد بود: ... ۴. آثار هنرهای زیبا همچنین آثار معماری و هنرهای کاربردی و نقشه‌های این‌گونه آثار. ۵. آثار عکاسی، همچنین آثاری که با روندهایی شبیه عکاسی تولید می‌شوند؛ ۶. تصویرسازی از ماهیت فنی یا علمی، مانند طراحی‌ها، نقشه‌ها، نقشه‌های جغرافیایی، نگاره‌ها با طرح‌های اولیه، جدول‌ها و تصاویر سه‌بعدی. (بنت و شرم، همان ص ۳۳۲)

قانون کپی‌رایت فرانسه، برخلاف اکثر قوانین سایر کشورها، در بندهایی از آثار محافظت شده توسط حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت نظم پذیرفته شده‌ای دارد. اگرچه مشکل اصلی عدم تفکیک صریح آثار ادبی، هنری و علمی است، اما با استفاده از عبارات جامعی مانند هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی، همه آثار هنری بصری را زیر چتر کپی‌رایت قرار داده است. این قانون دودسته نقشه را از هم جدا می‌کند. نقشه‌هایی از آثار هنری زیبا و کاربردی و آثار معماری ذکر شده در بند (۴) و نقشه‌های فنی و علمی در بند (۷). با این طبقه‌بندی می‌توان نقشه ارائه شده در بند (۴) را شامل طرح اصلی، نقشه و طرح‌های آثار هنری مانند نقشه فرش، طرح اولیه نقاشی یا نقشه معماری دانست. (بنت و شرم، همان ص ۱۵۸)

ماده ۱-۱۱۲ قانون مالکیت فکری فرانسه آثار مورد حمایت این قانون را این‌گونه معرفی می‌کند: مقررات این قانون، از حقوق مؤلفان بر اثر ناشی از ذهن، صرف‌نظر از نوع، شکل بیان، ماهیت یا هدف حمایت می‌کند و ماده ۲-۱۱۲ مصادیق را به صورت فهرستی باز و غیر جامع و مثالی با بکار بردن عبارت «به‌ویژه»^۴ بیان می‌نماید.

یکی از نکات مهم در مورد قانون مالکیت فکری فرانسه بند ۱۴ ماده مذکور است که از صنایع فصلی در برابر قانون کپی‌رایت پشتیبانی می‌کند و همچنین خود آن را تعریف می‌کند. قراردادن چنین آثاری در یک دسته جداگانه، اهمیت اقتصادی آن را در فرانسه نشان می‌دهد. (کوهن، ۲۰۰۵)

در قانون کپی‌رایت ایتالیا از هنرهای زیبا نام برده شده است اما از هنرهای کاربردی فقط به معماری اشاره شده است. با این حال، اصطلاح هنرهای تجسمی شامل هنرهای کاربردی و زیبا هست. یکی از ویژگی‌های این قانون، ذکر یک طرح صنعتی با ویژگی‌های خلاقانه با هنر ذاتی در میان آثار محافظت شده توسط کپی‌رایت است. البته به نظر می‌رسد اگرچه قوانین سایر کشورها این را مقرر کرده است، اما به‌طور خودبه‌خود، اگر یک پروژه صنعتی از شرایط حفاظت از کپی‌رایت (مانند اصالت و خلاقیت) برخوردار باشد، توسط قانون کپی‌رایت با مالکیت ادبی و هنری محافظت می‌شود آن کشور زیرمجموعه‌ای از آثار هنری گنجانده

1 Ibid, p108

2 Ricketson, S. Ginsburg, JC

3 Right of reproduction

4 Ricketson

5 In Particular

6 Cohen

خواهد شد. به استثنای کشورهایی که تحت حمایت از قانون طراحی و قانون کپی‌رایت امکان پشتیبانی هم‌زمان از طرح صنعتی وجود ندارد. ایتالیا یکی از کشورهایی است که قوانین خاصی برای حمایت از پروژه‌های صنعتی ندارد. (بنِت، جان، ۲۰۱۵)

ماده ۱ قانون کپی‌رایت انگلیس تقسیم‌بندی زیر را در ماده (۱) پیش‌بینی کرده است: کپی‌رایت نوعی حق مالکیت است که طبق این بخش در گروه‌های زیر وجود دارد: (الف) ادبیات، تئاتر، موسیقی و هنری اصلی آثار؛ (ب) صداهای ضبط‌شده، فیلم‌ها، رادیو و تلویزیون و برنامه‌های کابلی؛ (ج) به ترتیب چاپ نسخه‌های منتشرشده و در ماده (۱) ۴ با کارهای خام برخورد می‌شود: در این بخش، آثار هنری به معنای: (ا) کارهای گرافیکی، عکس، مجسمه‌سازی یا کولاژ، صرف‌نظر از کیفیت هنری آن‌ها. (ب) کارهای معماری، چه ساختاری و چه ماکت. (ج) تأثیر صنایع دستی هنری؛

در ماده ۱۰۲ از فصل یک قانون کپی‌رایت آمریکا، تحت عنوان موارد حق چاپ، عنوان شده است: کپی‌رایت تحت این عنوان در آثار اصلی طبق این عنوان در آثار اصیل تالیفی تثبیت شده به وسیله هر حامل بیانی، که امروزه یا در آینده شناسایی می‌شود که از طریق آن حامل می‌تواند درک، تولیدمثل یا انتقال در هر شکلی، مستقیماً یا توسط ماشین یا ابزار، وجود خواهد داشت. آثار تالیفی شامل دسته‌های زیر است: د. آثار تصویری، گرافیکی و مجسمه‌سازی در بخش تعاریف این قانون، بند ۵ به‌عنوان کارهای تصویری، گرافیکی و مجسمه‌سازی، شامل کارهای دوبعدی و سه‌بعدی هنرهای زیبا، گرافیک و کاربردی، عکاسی، چاپ و تولیدمثل هنر، نقشه، کره، نمودار تعریف شده است. نمودارها، مدل‌ها و طرح‌های فنی، از جمله نقشه‌های معماری.

از این‌رو در تجزیه و تحلیل موردی از مالکیت ادبی و هنری یا قوانین کپی‌رایت کشورها، به شرایط حمایت از آثار هنری اختصاص داده شده است. مهم‌ترین آن‌ها؛ حقوق نشانه‌های جغرافیایی، آثار هنری با ویژگی‌های خاص، علائم جغرافیایی، علائم تجاری، صنایع دستی و فولکلور است که در بخش بعدی به‌طور مفصل بحث خواهد شد.

۵. بحث

با توجه به تجزیه و تحلیل موردی از انواع آثار هنری که می‌توانند در حقوق مالکیت فکری محافظت شوند، در این بخش شرایط حمایت از آثار هنری و مالکیت فکری مورد بحث قرار می‌گیرد. به همین خاطر شرایط پشتیبانی از آثار هنری بر طبق حقوق علائم‌های جغرافیایی و مالکیت فکری شروع می‌کنیم.

شرایط حمایت از آثار هنری بر اساس حقوق نشانه‌های جغرافیایی و مالکیت فکری

نشانه‌های جغرافیایی زیرشاخه دیگری از قانون مالکیت صنعتی است. شخص جغرافیایی علامتی است که منشأ کالا را به قلمرو، ناحیه یا منطقه‌ای از کشور نسبت می‌دهد، مشروط بر اینکه کیفیت، شهرت یا سایر مشخصات کالا اساساً به منشأ جغرافیایی آن منتسب باشد. (قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی ۱۳۸۳) محصولی که در این تعریف ذکر شده است، یعنی "هر محصول طبیعی و کشاورزی یا محصولات آن با صنایع دستی یا محصولات صنعتی" تعریفی که در قانون کشور ما ارائه شده بسیار شبیه به تعریف WIPO است که از نشانه جغرافیایی فراهم کرده است. (ماده (ب) ۱ همان قانون) ماده (۱) ۲۲ تریس، تحت عنوان حفاظت از نشانه‌های جغرافیایی، تعریف مشابهی را ارائه می‌دهد. (شایسته، ۱۳۹۵ ص ۲۵)

برای اینکه یک اثر هنری مورد حمایت حقوق مالکیت فکری واقع شود، شرایطی وجود دارد که باید رعایت شود. در ایران شرایطی مانند (درک شکل اثر، اصالت، چاپ یا توزیع با انتشار اثر با توجه به نوع آن برای اولین بار در ایران، مالیات اثر و اعلان مشخصات) ذکر شده است. (آیتی، ۱۳۷۵ ص ۸۳) در سایر کشورها، شرایطی مانند اصالت، توانایی محافظت توسط قوانین داخلی و شرط ادغام در یک حامل مادی نیز ذکر شده است. به‌طور کلی، دو شرط اصالت و شکل ظاهری اثر را می‌توان از جمله شرایط مشترک و اجباری در کلیه قوانین ملی و بین‌المللی دانست. (انصاری، باقر، ۱۳۸۶ ص ۱۵) شرایط دیگری نیز وجود دارد که در همه قوانین و سیستم‌های حقوقی رعایت نمی‌شود و گاهی بخشی از شرایط اختیاری مانند ثبت‌نام و ثبت اثر است.

۱. محسوس بودن شکل اثر (بیان اثر) و شرط تثبیت بر روی یک حامل مادی^۲

حقوق مالکیت فکری، حقوق مورد حمایت از فکر که قابل لمس باشد نمی‌باشد، بلکه حمایت از آفرینه‌های فکری هست، خصوصاً وقتی در یک رسانه ملموس اعمال شود. هر یک از پدیده‌های فکری به روش و شکل خاصی تجلی می‌یابد. در نتیجه، اولین شرط دریافت حمایت این است که شکل اثر قابل درک باشد. ماده ۲ کنوانسیون حمایت را شامل بیان اثرات می‌داند. ماده (۲) ۲ کنوانسیون برن تصریح می‌کند که کشورهای عضو در مقرر نمودن شرط تثبیت بر روی یک حامل مادی برای همه یا برخی آثار مورد حمایت، مخیرند. طبق قانون برخی از کشورها، مانند انگلستان، که اهمیت ویژه‌ای برای حامل مواد هنری دارند، ممکن است از کپی‌رایت محافظت نشود. به‌عنوان مثال در این کشور یک اثر هنری بر اساس حامل آن تعریف می‌شود و بنابراین دسته‌بندی آثار بخشی از نقاشی محسوب نمی‌شوند. همین دیدگاه در قوانین آمریکا نیز دیده می‌شود. (انصاری، همان ص ۴۸)

1 Benet, John
2 Tangible medium

اگرچه شرط اصالت در همه سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است، اما مفهومی کاملاً واضح و روشن نیست. بحث در مورد کپی‌رایت با این فرضیه آغاز می‌شود که حق چاپ در حقایق محض وجود ندارد. هیچ خالق نمی‌تواند ایده‌های خود را شامل حمایت کپی‌رایت بکند. اصالت به معنای کپی نبودن اثر است و از خالق آن نشأت گرفته است. (مایکل موری، ۲۰۰۶ ص ۵۹) یک استاندارد مشترک برای حمایت از آثار ادبی و هنری در هر دو سیستم کامن لا و سویل لا این است که این اثر باید مشخصاً محصول تلاش خالق آن باشد و نه کپی از اثر یا آثار دیگران. یعنی تأثیر ذهن و خلاقیت انسان. (داتفیلد و ساترسان، همان ص ۷۹)

نکته دیگر این است که اصالت در مورد بیان اثر می‌باشد، نه ایده آن، همانگونه که قاضی پرونده (که در قانون انگلیس اظهار داشت: (گلدشتاین، ۲۰۰۱ ص ۱۰۶) کلمه "اصیل" در این رابطه به این معنی نیست که اثر باید بیانگر یک فکر بدیع و نو و ابتکاری باشد. قانون کپی‌رایت هیچ ارتباطی به اصالت عقاید ندارد بلکه با اصالت بیان ارتباطی سروکار دارد و قانون تصریح نکرده است که بیان باید جدید باشد، در واقع این اثر نباید کپی از آثار دیگران باشد و از خود خالق منشأ گرفته باشد. (گریت برن، ۲۰۰۳)

۳. چگونگی حمایت از آثار هنری با ویژگی‌های خاص

برخی از آثار هنری به دلیل ویژگی‌های خاص و اهمیت فرهنگی و اقتصادی به‌طور ویژه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به آثاری از قبیل معماری که در اکثر قوانین مشخص شده است، در معرفی آثار، به آن بندی جداگانه اختصاص داده می‌شود و از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. صنایع دستی و فرش نیز از صنایع مهم و استراتژیک کشورمان هستند که در دنیا جایگاه ویژه‌ای در هنر دارند و نیاز به توجه بیشتر و حمایت بهتر دارند.

حمایت داخلی و بین‌المللی از صنایع دستی: صنایع دستی هر منطقه نمادی از فرهنگ، تاریخ و سنت‌های آن منطقه است. مردم هر منطقه با استفاده از تجربیات به‌دست‌آمده از پیشینیان خود و ابزار و امکانات بومی همان منطقه و با استفاده از حس زیبایی‌شناسی خود صنایع دستی ایجاد می‌کنند. چنین آثاری علاوه بر جنبه فرهنگی، دارای اهمیت اقتصادی نیز هستند. چنین صنایعی در کشورهای پیشرفته اغلب جنبه‌های تزئینی و هنری دارند، اما در کشورهای در حال توسعه که اغلب صاحبان این صنایع هستند، جنبه‌های دیگری نیز برجسته است، از جمله ایجاد شغل برای بومیان هر منطقه. ولی بسیاری از این صنایع به دلیل عدم وجود سیستم حفاظت مناسب در گذشته و حتی امروزه در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما ایران توسط افراد غیربومی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و حقوق افراد بومی در این صنعت زیر پا گذاشته شده است. بنابراین، تکیه بر سیستم‌های حفاظتی موجود و ایجاد قوانین داخلی مناسب‌تر از ضرورت‌های موجود در سیستم حقوق مالکیت فکری در بیشتر کشورها و حتی سیستم بین‌المللی است. (آیتی، همان ص ۲۱۴)

عبارت صنایع هنری، در قوانین انگلستان، هند و آمریکا به کار گرفته شده است. ^۴ همان‌طور که از ظاهر عبارت مشخص است، "صنایع هنری" دو عنصر دارند: "هنری بودن" ^۵ و "صنعت بودن" ^۶.

در میان آثار هنری دارای حق چاپ، صنایع هنری تنها مقوله‌ای هستند که باید توسط قاضی "هنری بودن آن مورد قضاوت قرار گیرد و این روند غیرمعمولی است. پرونده‌ای به نام هنشر^۷ در این زمینه در قانون انگلستان و سایر کشورهای کامن لا موجود است. در این حالت، هر یک از لوردها، معیاری برای تعیین هنری بودن یا نبودن صندلی مورد مناقشه ارائه دادند، اگرچه همه آن‌ها به هنری نبودن آن رأی دادند. معیارهای لذت دیدن، ساخته شدن توسط صنعتگر هنرمند، قصد ساختن یکشی هنری توسط صنعتگر و ... که توسط متخصص تعیین می‌شود، از جمله معیارهای آن‌ها بود. در مورد اینکه آیا اثر مورد نظر باید دست‌ساز (صنایع دستی)^۸ باشد، یا نباشد اختلاف نظر وجود داشت. اما در هر صورت، این صنعت در محدوده آن می‌شود. (بنت و شرمن، ۲۰۱۸ ص ۷۹) البته اختلاف دوم در ایران وجود ندارد، زیرا عبارت صنایع دستی به معنای دست‌ساز بودن کار است. در این کشورها، اگر در اثری هنر بودن بیش از مفید بودن باشد، به‌عنوان یک صنعت هنری پشتیبانی می‌شود. بنابراین، مبل راحتی که به نظر بیننده زیبا دیده می‌شود اما چندان خاص نیست، به‌عنوان یک صنعت هنری قابل پشتیبانی نیست. (رحمانی خلیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۸)

با پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، کشورهای صنایع دستی ثروتمند و ارزشمند می‌توانند حمایت خود را از صنعتگران در این زمینه به عرصه بین‌الملل گسترش دهند. در سطح بین‌المللی، یونسکو از طریق فعالیت‌هایی مانند مسابقات و اهدای جوایز و

- 1 michael murray,
- 2 Goldstein
- 3 Garrett Breen
- 4 Artistic craftsmanship
- 5 artistic
- 6 craftsmanship
- 7 Hensher v. Restwile Upholestry
- 8 handicraft

لوح تقدیر به احیای مجدد و توسعه صنایع دستی کمک می‌کند. شورای جهانی صنایع دستی^۱ و مرکز بین‌المللی ترویج صنایع دستی^۲ از اقدامات جهانی برای حمایت از صنایع دستی است. ماهیت دوگانه این صنایع مستلزم رعایت کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی در زمینه‌های مختلف است. در این میان کنوانسیون‌های مربوط به مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون برن و کنوانسیون پاریس است. و در صحنه بین‌الملل قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد و فقط قوانین پیشنهادی مانند قانون نمونه WIPO در مقررات این حوزه دیده می‌شود. (قانون نمونه ۱۹۸۲ واپیو ص ۳۷۱)

۱. حمایت از طریق مالکیت هنری: اصلی‌ترین و مؤثرترین راه حمایت از صنایع دستی، حمایت از آن‌ها از طریق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت هر کشور می‌باشد. این امر در صورتی ممکن می‌باشد که صنایع دستی به‌طور خاص و هنرهای کاربردی به‌طور کلی توسط قانون مربوطه در سیستم حقوقی هر کشور محافظت شود. تعلق داشتن به مقوله هنرهای کاربردی دلیل محافظت دقیق آن توسط مالکیت ادبی و هنری را تعیین می‌کند. بررسی ارزش هنری هنرهای کاربردی، برخلاف هنرهای زیبا، منجر به دقت بیشتری در حمایت و دامنه حمایت از آن شده است. دیگر کشورهای مورد بررسی به‌صراحت از هنرهای کاربردی و صنایع دستی در میان آثار مورد حمایت نام نبردند. در قانون ۴۸ ایران، اگرچه صراحتاً به هنرهای کاربردی با صنایع دستی اشاره نشده است، اما چند نمونه از آن ذکر شده است، اما در پیش‌نویس لایحه، هنرهای کاربردی و به‌عنوان نمونه بارز آن صنایع دستی را مشخص کرده است. ۲. حمایت از طریق علائم جغرافیایی: صنایع دستی هر منطقه با کار مردم آن منطقه با استفاده از دانش بومی منطقه و ابزار و وسایل موجود در آن ایجاد می‌شود و کیفیت و شهرت آن به همان منطقه بستگی دارد. این ویژگی‌ها همان تعریف نشانه‌های جغرافیایی است. ارزش خاتم‌کاری اصفهان، حصیربافی جنوبی، گلیم‌های عشایری مناطق مختلف، به همان منطقه جغرافیایی نسبت داده می‌شود. تکنیک‌ها و مواد ویژه‌ای که مردم همان مکان برای خلق اثر استفاده می‌کنند بسیار مهم است و تأثیر زیادی در محبوبیت و شهرت محصول دارد. بنابراین، با توجه به اینکه قوانین مربوط به مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت کشورها در محافظت از صنایع دستی به‌عنوان یک اثر هنری سختگیرانه است، و آن‌ها به‌راحتی کپی‌رایت را نمی‌دهند، توسل به حقوق نشانه‌های جغرافیایی بسیار مفید است. درست است که مزایای حفاظت از این طریق مستقیماً بر خالق اثر نمی‌گذارد، اما با ایجاد نوعی انحصار برای مردم آن منطقه، امکان دستیابی به بازار بزرگتر و جلوگیری از تقلب و تکثیر را فراهم می‌کند، که اغلب باعث کاهش کیفیت چنین کالاهایی می‌شود. نمونه بارز استفاده از این علائم در مورد فرش‌های مناطق مختلف ایران مانند فرش مشهد یا سفال‌های سرخوستان جنوب غربی ایالات متحده وجود دارد. قوانین بین‌المللی مرتبط در این زمینه می‌تواند در توافق‌نامه مادرید برای جلوگیری از نشانه‌های منبع و توافق غیرواقعی یا گمراه‌کننده مورد استفاده قرار گیرد. لیسبون به پشتیبانی از نام‌های اصلی و ثبت بین‌المللی آن‌ها اشاره کرد.

۳. حمایت از طریق علائم تجاری: همان‌طور که قبلاً ذکر شد، با توجه به تعاریف علامت تجاری، مهم‌ترین ویژگی علامت تجاری متمایز بودن آن است. بنابراین علامت تجاری باید به‌گونه‌ای باشد که گمراه‌کننده نباشد و بتواند کالاها یا خدمات یک شخص را از کالاها یا خدمات شخص دیگر متمایز کند، اگرچه علامت تجاری برای محافظت باید ثبت شود و ثبت آن معمولاً پرهزینه و زمان‌بر است. اما مزیت این علامت این است که در اکثر کشورهای جهان پذیرفته شده است و با پرداخت هزینه تمدید می‌توان به‌طور دائمی از آن حمایت کرد (سالارپور گل ختمی، ۱۳۸۶ ص ۸۹). صنایع دستی از جمله آثاری است که تحت سیستم قانون علائم تجاری قابل محافظت است. بنابراین، با پایبندی به مقررات بین‌المللی یا موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه بین کشورها و با توجه به اینکه اکثر کشورها این سیستم حفاظتی را پذیرفته‌اند، پشتیبانی از صنایع دستی در همه دنیا آسان است. به‌عنوان مثال، در مکزیک، مردم قبیله سری برای مقابله با تولید انبوه، علامتی^۳ در جهت حمایت از یک محصول تولیدشده سنتی از چوب درختی به نام اولنیا تسوتا^۴ ثبت کردند. (سلیمانی، ۱۳۸۸ ص ۱۲)

۴. حمایت تحت عنوان فولکلور: اگرچه هنوز در اکثر کشورها، به‌ویژه در سیستم بین‌المللی در مورد فولکلور، سیستم محافظت مشخص و مناسبی وجود ندارد، اما تلاش‌های زیادی انجام شده و تاکنون منجر به تدوین قانون نمونه توسط WIPO شده است. مخالفت کشورهای پیشرفته که اغلب در زمینه‌های فولکلور واردات می‌کنند، مانع از مقررات لازم‌الاجرا شده است. به‌استثنای چند کشور، سایر کشورها و حتی کشورهای ثروتمند در این زمینه مانند ایران قانون خاصی در مورد فولکلور تصویب نکرده‌اند. از آنجاکه بسیاری از صنایع دستی به‌عنوان فولکلور منطقه در نظر گرفته می‌شود، در صورت تدوین مقررات مناسب در این زمینه، این خلأهای موجود در حمایت از صنایع دستی را پر خواهد کرد.

در سیستم کنونی مالکیت فکری، فولکلور بخشی از حوزه عمومی است. علاوه بر این، سیستم فعلی از فولکلور با قوانین موجود پشتیبانی نمی‌کند. از طرف دیگر، کشورهایی که ظرفیت بالایی در فولکلور در جامعه خود می‌بینند و دریافته‌اند که دانش بومی و

1 world craft council or W.C.C

2 International centre for the promotion of crafts or CIPA

3 Arte Seri

4 Olneya tesota

نمودهای فرهنگ‌عامه جوامعشان بهانه‌ای برای موفقیت دیگران شده‌اند. بدون اینکه به کوچک‌ترین منفعتی برای جوامع خود دست یابند، دنبال مناسب‌ترین راه‌حل برای حمایت از دانش سنتی و فولکلور می‌باشند (خوبکار، ۲۰۰۳ ص ۳)

در سطح جهان، اصلاحیه کنوانسیون برن برای محافظت از آثار منتشرنشده و بی‌نام در سال ۱۹۷۶ تنظیم شد. درخواست نویسندگان این اصلاحیه، که در ماده ۴. ۱۵. کنوانسیون منعکس شده است، حمایت بین‌المللی از مظاهر فولکلور است. در همان سال، قانون نمونه تونس برای کشورهای درحال توسعه شامل سیستم ویژه‌ای برای حمایت از فولکلور تدوین شد. در سال ۱۹۸۲، وایپو و یونسکو به تیمی از متخصصان مأموریت دادند تا سیستم ویژه‌ای برای حفاظت از مالکیت فکری (برای فولکلور تهیه کنند. در سال ۱۹۸۴، WIPO و یونسکو گروهی از متخصصان را گرد هم آوردند تا درباره حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری در فولکلور بحث کنند. هدف آن‌ها تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه‌ها بر اساس آیین نامه ۱۹۸۲ بود، اما اکثر شرکت‌کنندگان زمان تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه بین‌المللی را مناسب نمی‌دیدند.

در سال ۱۹۹۷، وایپو - یونسکو برای حمایت از نمودهای فرهنگ‌عامه در تایلند انجمنی را تشکیل دادند. در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۹ کمیته‌های حقیقت‌یاب برای این منظور به ۲۸ کشور ارسال شدند که نتایج آن در گزارش WIPO در مورد کمیته‌های حقیقت‌یابی ۱۹۹۸-۱۹۹۹ منعکس شد. در سال ۱۹۹۹، وایپو مشاوره‌های منطقه‌ای را برای حمایت از نمودهای فولکلور برای آفریقا، آسیا-اقیانوسیه، جهان عرب و آمریکای لاتین و کارائیب آغاز کرد. (زوارت، ۲۰۰۶)

در سال ۲۰۰۰، کمیته بین‌المللی مالکیت فکری، منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور وایپو تشکیل شد.^۲ باوجود همه این تلاش‌ها، به دلیل مخالفت کشورهای پیشرفته با تصویب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در این زمینه، هنوز تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی حاصل نشده است. دلیل مخالفت این کشورها این است که بیشتر این آثار متعلق به کشورهای درحال توسعه است و آن‌ها واردکننده‌هایی در این زمینه هستند.

اما متأسفانه در جوامعی مانند ایران که متشکل از اقوام مختلف با فرهنگ‌ها، آداب‌ورسوم و فولکلورهای مختلف مردمی است، ایجاد یک سیستم پشتیبانی مناسب برای حمایت از فولکلور (که نمودهای آن به‌ویژه در صنایع دستی و آثار هنری بسیار پررنگ است) مهم است. اما علیرغم تدوین قانون نمونه در این زمینه، هیچ اقدامی برای تصویب چنین قانونی انجام نشده است و فقط تعداد معدودی از کشورها قانون خاصی را در این زمینه تصویب کرده‌اند. هماهنگی بیشتر کشورهای دارای فولکلور در تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی و ایجاد یک سیستم هماهنگی پشتیبانی، به حفظ میراث گاه هزاران ساله آن‌ها و استفاده سودمند از آن کمک خواهد کرد.

۶- نتیجه‌گیر

اگرچه ارائه تعریفی جامع از موانع رویه دادرسی مهم است و همیشه سعی در کاهش ابهام و واگرایی در احکام دادگاه‌ها داشته است، اما این امر در بسیاری از موارد کاملاً موفق نبوده است. از جمله در حقوق مالکیت ادبی و هنری و به‌ویژه حقوق مالکیت هنری که زمینه مورد بحث در مقاله می‌باشد.

در این مقاله، مطالعات نشان داده است که در قوانین همه کشورهای مورد مطالعه، آثار هنری طبقه‌بندی علمی مشخصی ندارند. حتی چنین آثاری نیز به‌درستی از آثار ادبی جدا نشده‌اند. با توجه به تفاوت بین آثار ادبی و هنری، از جمله حقوق مختلفی که برای این دودسته از آثار وجود دارد، مانند حق تعقیب و حق نمایش آثار هنری، یک طبقه‌بندی واضح بین ادبی و آثار هنری مورد نیاز است. از طرف دیگر، آثار هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی از نظر میزان و نحوه پشتیبانی تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد تمایز و طبقه‌بندی واضح بین این دودسته کاربردهای علمی و عملی دارد. ارائه تعریفی از یک اثر ادبی و یک اثر هنری و همچنین انواع مختلف آثار هنری می‌تواند نقش مهمی در روشن شدن مرزهای این آثار داشته باشد. علاوه بر این، ارائه یک طبقه‌بندی منطقی کمک زیادی به رفع ابهامات در تعیین پرونده‌ها و جلوگیری از برخورد سلیقه دادگاه‌ها با پرونده‌های جدید می‌کند. از طرف دیگر، حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که عمدتاً بر اساس منافع کشورها تصویب می‌شود و حدود و محدوده‌ی آن تعیین می‌شود. در کشوری مانند ایران که صنایع دستی از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد اشتغال‌زایی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، توسعه فرهنگی و ... برخوردار است، تعریف و اختصاص حمایت ویژه و مشخص نمودن آن در متون قانونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پشتیبانی از این آثار در سایر کشورها به میزان و نحوه پشتیبانی در داخل کشور بستگی دارد. بنابراین لازم است قانون کشورها کارهای مختلف را با توجه به نیازها و علایق آن‌ها طبقه‌بندی، تعریف و حمایت کنند.

با امعان نظر و دقت در قوانین، مقررات داخلی و دستورالعمل‌های اجرایی نظام حقوقی ایران، آیین‌نامه‌ها، می‌توان گفت؛ به‌طور کلی، حمایت از مالکیت فکری در قوانین ایران مورد توجه قرار گرفته است و قوانینی که قبل و بعد از انقلاب اسلامی

1 WIPO-UNESCO model provisions

2 Zwart

3 Intellectual property and traditional cultural expressions folklore, WIPO, WWW.wipo.int, p3

تصویب شده‌اند، تا حدودی به این حق توجه داشته‌اند. از طرف دیگر، مالکیت فکری مربوط به خالق اثری است که نمونه‌های آن در کنوانسیون جهانی مالکیت فکری ثبت شده است. مهم‌ترین آن‌ها آثار ادبی، علمی و هنری است. به‌طور مشخص؛ قانون حمایت از حقوق نویسندگان، مؤلفان و هنرمندان که در سال ۱۳۴۸ تصویب شد، برای اولین بار از مالکیت ادبی و هنری پشتیبانی کرد و در قوانین بعدی، دامنه این حمایت گسترش یافت. با این وجود، حقوق ایران در محافظت از دارایی‌های ادبی و هنری هنوز با خلأ مواجه می‌باشد.

منابع

۱. اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۴) «آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت فکری ایران و شرایط آن، نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۸
۲. امامی، اسدالله، (۱۳۷۶)، «حقوق مالکیت فکری، جلد اول، نشر میزان، تهران، چاپ اول
۳. انصاری، باقر، (۱۳۸۶) «شرایط اثر قابل حمایت: در نظام با مالکیت‌های ادبی و هنری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵
۴. آیتی، حمید، (۱۳۹۰)، «حقوق آفرینش‌های فکری، ادبی و هنری، تهران، چاپ اول
۵. بردزلی، «زیبایی‌شناسی فلسفی، ترجمه فریبرز مجیدی، فرهنگستان هنر
۶. بلخاری، حسن، (۱۳۸۷)، «آشنایی با فلسفه هنر، انتشارات سوره مهر، تهران
۷. حسینی راد، عبدالمجید، (۱۳۸۳)، «مبانی هنرهای تجسمی، چاپ چهارم، تهران، چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
۸. دهخدا علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، «لغت نامه دهخدا، جلد ۱۵، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، تهران
۹. زرکلام، ستار، ۱۳۹۳، «حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم (۱۳۹۳)
۱۰. سالارپور گل ختمی، اکرم، (۱۳۸۶) «معیارهای حمایت از علامت تجاری، مجله اتاق بازرگانی، فروردین، شماره ۴۶۸، ص ۳۹
۱۱. شایسته، شوکت، (۱۳۹۵) «نگاهی به حقوق مالکیت ادبی و هنری در اسناد بین‌المللی، مجله: کانون وکلا» شماره ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۸۱ تا ۱۰۲
۱۲. شبیری زنجانی، (۱۳۸۷)، «سید حسن، مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری، رساله دکتری، دانشگاه تهران (۱۳۸۷)
۱۳. صالحی، جواد، ابراهیمی، یوسف، (۱۳۸۹) «حمایت از کپی‌رایت و مبنای آن در مالکیت فکری، مجله قضاوت، شماره ۶۶.
۱۴. عیوضی، فاطمه، (۱۳۸۴)، «تاریخچه نقاشی <http://danesh.roshd.ir/mavara>
۱۵. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، ۱۳۸۶
۱۶. قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین و هنرمندان، ۱۳۴۸
۱۷. قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، ۱۳۸۳
۱۸. کشمیری، مریم، (۱۳۹۶)، «تذهیب در ایران؛ تاریخچه، نقوش و اصطلاحات ناشر: سازمان سمت
۱۹. لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، ۱۳۹۰
۲۰. مجرد تاکستانی، اردشیر، (۱۳۸۶)، «شویه تذهیب، چاپ ششم، تهران، سروش (انتشارات صداوسیما).
۲۱. محمود خوبکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (۱۳۸۲) «سیاست‌گذاری مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و فولکلور، دانشگاه تهران
۲۲. نیکلای واسیلیویچ گوگول، (۱۳۹۰) «پرتزه، ناشر: کوله‌پشتی مترجم: معصومه احمدی ویراستار: عاطفه بخشایش ناشر: گیسوم
۲۳. ولی‌الله کاوسی، شیلا بلر، (۱۳۹۲) «افسانه منفرد، مهدی صحراگرد، آیدین آغداشلو، محمدمجتبی حسینی، علیرضا هاشمی نژاد خوشنویسی، ناشر: کتاب مرجع
24. Agreement of trade- related aspects of intellectual property rights, at: [http://www.austlii.edu.au/ other/dfatitreaties/1995/38.html](http://www.austlii.edu.au/other/dfatitreaties/1995/38.html). (2015/8/17)
25. Ann Barron, copyright law and the claims of art, Sweet and Maxwell LTD and contributors, (2002), www.ssrn.com, (2015-09-17)
26. Bashan, pedro, Protecting your Artwrk under Trademark Law, [http://indiadtradm rks.blogspot.com/ 2011/06/ protecting-your-artwork- under-trademark.html](http://indiadtradm rks.blogspot.com/2011/06/protecting-your-artwork-under-trademark.html), (2015-06-12)
27. Benet, John, what is industrial Design, <http://whatisindustriatdesign.com>, (2015-07-12)
28. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (as amended on September 28, 1979)
29. Cohen, HJ. (2005). Restrictions on copyright and their abuse. European Intellectual Property Review. 24(2): 1.

30. France Intellectual property code German Law on Copyright and Neighboring Rights 1965
India Copyright Act 1957 Italy Law on Protection of Copyright and Rights Related to its
Exercise 1941
31. Garrett Breen and others, Intellectual property law, Cavendish publishing Ltd, London,
(2003), p59
32. Gervais, Daniel, Traditional Knowledge & Intellectual Property: A TRIPS-Compatible
Approach, 2005 Mich. St. L. Rev. 137 (2005).
33. Gifford, Daniel J. (2002) "The Antitrust/Intellectual Property Interface: An Emerging
Solution to an Intractable Problem," *Hofstra Law Review*: Vol. 31: Iss. 2, Article 3.
34. Goldstein, Paul, International copyright Principles Laws and Practice, New York, Oxford
university press, (2001)
35. Hornby, A S, oxford dictionary, oxford university press, 1997, fifth edition Edited by salty
wehmiere, oxford advance dictionary, oxford university press, 2006, seventh edition
<http://guizlet.com/dictionary/graphic-art-arti>.
36. Intellectual property and traditional cultural expressions folklore, WIPO, WWW.wipo.int,
p3
37. International centre for the promotion of crafts or CIPA
38. Lionel Bently and Brad Sherman, Intellectual Property Law, The definitive account of IP
law: thorough coverage combined with exceptional analysis. (2018)
39. Ricketson, S. Ginsburg, JC. (2006). International copyright and Neighboring Rights; The
Berne convention and beyond. New York: Oxford University Press, 575
40. UK intellectual property office, Review of intellectual property and growth, on behalf of
the pirate party UK, (2014), www.ipo.gov.uk/ipreview/ipreviewc4e.htm, (2015-07-23)
41. US copyright office 'library of congress, copyright claims in architectural works, (2014),
www.copyright.gov, (2015-08-25)
42. WIPO publications, Intellectual property and traditional cultural expressions folklore,
www.wippt (2015-09-28)
43. Zwart, MD. (2006). Australian Intellectual property law Resources. The Future of Fair
Dealing in Australia: protecting Freedom of communication, 17.
44. [Http://www.oxforddictionaries.com](http://www.oxforddictionaries.com)
45. <http://www.mehrpress.com/profile>
46. <http://egressfoundation.net/egress/index.php?option=com>

An example analysis of the conditions for the protection of literary and artistic works in the system of intellectual property rights

Abstract

Works of art are one of the most important issues that are protected by intellectual property rights. In expressing the concept of works of art in intellectual property laws, it is generally mentioned in the literary and artistic property law or copyright of countries. These works also have various examples, including the visual arts and the seven arts, which themselves include two sub-categories of fine arts and applied arts. Given that the issue of intellectual property is a matter of credit, intangible and intangible, it is necessary in the form of descriptive-analytical research, concepts and how to support it in systems of intellectual property rights and due to the emergence and import of intellectual property rights are clearly explained in Our country does not have a jurisprudential background and law in this field. Given the subject matter of this matter, it is necessary to explain issues such as the separation of literary works from works of art, as well as to examine the existence of classification among works of art in the laws in question. The distinction, fragmentation and lack of precise and logical conflict in the laws under consideration, the lack of protection of some works of art in the current system of intellectual property and the need to create special protection systems under the protection systems in intellectual property rights are among the items considered.

Key words: Intellectual Property Rights, Works of Art, Visual Arts, Applied Arts, Protection of Works of Art

